

بررسی عوامل مؤثر بر شاخص بحران ارزی تعدیل شده در

ایران: رویکرد رگرسیون لاجیت^۱

محمد کلامی*، بهزاد سلمانی** و حسین اصغرپور***

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۶/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۷

چکیده

وقوع مکرر بحران‌های ارزی در سال‌های اخیر، ادبیات هشدار زودهنگام را به کانون توجه محققان بازگردانده است. هدف از مطالعه حاضر معرفی یک الگوی هشدار پیش از وقوع بحران ارزی در ایران است. در سال‌های اخیر مفهومی از یک سیستم هشدار زودهنگام (EWS) توسعه یافته که باید قادر به شناسایی وقایع پرهزینه نظیر بحران‌های ارزی باشد تا زمان کافی برای کاهش هزینه‌های بحران را برای محققان اقتصادی ایجاد نماید. بدین منظور در این تحقیق عوامل مؤثر بر احتمال وقوع بحران ارزی ایران طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۶۰ با استفاده از یک مدل با متغیر وابسته گسسته در قالب الگوی لاجیت بررسی می‌شود. در این تحقیق برای محاسبه شاخص بحران ارزی تعدیل شده از ترکیب تغییرات نرخ ارز، ذخایر ارزی و نرخ سود بانکی استفاده می‌گردد. نتایج حاصل از برآورد الگوی لاجیت نشان می‌دهد که با افزایش در متغیرهای نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی، نسبت کسری حساب جاری به تولید ناخالص داخلی، نسبت اعتبار داخلی به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی و نرخ تورم، احتمال رخداد بحران ارزی افزایش می‌یابد. به عبارتی دیگر افزایش در این متغیرها (به عنوان شاخص‌های پیشروی بحران ارزی) موجب شدت در وقوع بحران ارزی می‌گردد. نتایج دیگر تحقیق حاکی از آن است که افزایش در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی موجب کاهش در احتمال وقوع بحران ارزی می‌گردد. کشش نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی نشانگر آن است که با افزایش یک درصدی در این متغیر با ثابت فرض کردن سایر متغیرها، احتمال وقوع بحران ارزی ۰/۴۸ درصد افزایش می‌یابد. از طرفی اثر نهایی مربوط به متغیر نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد که به ازای یک واحد افزایش در این

^۱ مقاله حاضر مستخرج از رساله دکترای نویسنده اول در دانشگاه تبریز است.

** استاد گروه اقتصاد دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده ی مسئول) (bhsalmani@yahoo.com)

*** استاد گروه اقتصاد دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

* دانشجوی دکتری اقتصاد بین‌الملل دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

متغیر احتمال وقوع بحران ارزی ۴/۳۲ درصد افزایش می‌یابد. بنابراین افزایش در کسری بودجه یکی از عوامل پیشرو در وقوع بحران ارزی است. می‌توان گفت که در صورتی که دولت بخشی از کسری بودجه خود را از محل ذخایر ارزی تأمین کند در این حالت منجر به کاهش ذخایر ارزی می‌شود و احتمال بروز بحران ارزی را در کشور افزایش می‌دهد. از طرفی مقدار کشش متغیر نسبت کسری حساب جاری به تولید ناخالص داخلی حاکی از آن است که به ازای یک درصد افزایش در این متغیر با فرض ثبات سایر شرایط احتمال وقوع بحران ارزی ۰/۳۸ درصد افزایش می‌یابد.

از سوی دیگر اثر نهایی این متغیر نیز نشانگر آن است که احتمال وقوع بحران ارزی طی دوره مورد بررسی به ازای یک واحد افزایش در کسری حساب جاری حدود ۱۴ درصد افزایش می‌یابد. یکی دیگر از شاخص‌های پیشرو بحران ارزی که اثرگذاری منفی بر بحران ارزی دارد نرخ رشد تولید ناخالص داخلی است. در واقع کشش این متغیر نشان می‌دهد که به ازای یک درصد افزایش در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، احتمال ایجاد بحران ارزی به اندازه ۰/۰۳ درصد کاهش می‌یابد. از طرفی اثر نهایی آن نیز بیانگر آن است که به ازای یک واحد افزایش در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی با فرض ثبات سایر شرایط، احتمال وقوع بحران ارزی ۰/۲۴ درصد کاهش می‌یابد. مقدار کشش متغیر توسعه مالی حاکی از آن است که به ازای یک درصد افزایش در این متغیر با فرض ثبات سایر شرایط احتمال وقوع بحران ارزی ۰/۰۰۷ درصد افزایش می‌یابد. از سوی دیگر اثر نهایی این متغیر نیز نشانگر آن است که احتمال وقوع بحران ارزی طی دوره مورد بررسی به ازای یک واحد افزایش در توسعه مالی ۰/۰۰۴ درصد افزایش می‌یابد. لازم به ذکر است که این ضریب از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشد. نهایتاً مقدار کشش نرخ تورم نشانگر آن است که به ازای یک درصد افزایش در نرخ تورم با فرض ثبات سایر متغیرها احتمال وقوع بحران ارزی به میزان ۱/۵۴ درصد افزایش می‌یابد. همچنین اثر نهایی این ضریب نیز بیانگر آن است که با افزایش یک واحدی در نرخ تورم احتمال وقوع بحران ارزی به اندازه ۱/۳۳ درصد افزایش می‌یابد. بنابراین نرخ تورم نیز یکی از عوامل پیشرو در وقوع بحران ارزی می‌باشد.

طبقه‌بندی JEL: G01، C22، F31

واژه‌های کلیدی: بحران‌های ارزی، سیستم هشدار زودهنگام، الگوی لاجبیت